

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و بیست و پنجمین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

بهار ۱۴۰۴



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسه گزارش: ۱۴۰۴/۰۳/۹۶/۱۲۵/۱

عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی*

یکصد و بیست و پنجمین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، مشروح مذاکرات، بازار بین بانکی، قرارداد مابه التفاوت ارز

تاریخ انتشار گزارش: بهار ۱۴۰۴

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می گردد.



استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۲

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دستور اول: بررسی نامه دریافتی از سازمان بازرسی کل کشور در

خصوص «دستورالعمل اجرایی معاملات بازار بین بانکی ریالی»..... ۴

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دستور دوم: بررسی نامه دریافتی از مرکز مبادله ارز و طلای ایران

در خصوص «قرارداد مابه التفاوت ارز»..... ۱۲

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمدسعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۵. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو شورای فقهی)
۶. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر حسین میثمی (مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیر شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۰. آقای دکتر میرعمادی (مدیرکل نظارت غیراحتیاطی بانک مرکزی)
۱۱. خانم معصومه رسولی (مدیر اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۱۲. آقای علی اکبر محمدی (سربازرس گروه بانک مرکزی سازمان بازرسی کل کشور)
۱۳. آقای دکتر علی سعیدی (مدیر عامل مرکز مبادله طلا و ارز ایران)
۱۴. آقای دکتر علی شهیدی (مرکز مبادله طلا و ارز ایران)
۱۵. آقای دکتر محمد طه خراطها (مرکز مبادله طلا و ارز ایران)
۱۶. آقای دکتر محمد هادی عابدی (مرکز مبادله طلا و ارز ایران)
۱۷. خانم محدثه رزاقی (مرکز مبادله طلا و ارز ایران)
۱۸. خانم مریم تیره‌کار (رئیس گروه اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۱۹. آقای مهرداد رمضانی (رئیس دایره اداره عملیات بازار باز بانک مرکزی)
۲۰. خانم نرگس احمدی (رئیس گروه اداره مطالعات و مقررات بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان آیت الله سعدی، دکتر محمدپور، دکتر افشار و حجت الاسلام والمسلمین باقری بنایی در این جلسه حضور نداشتند.

۲۱. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۲. آقای علی نظری (رئیس گروه اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۳. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۴. خانم مریم بیدخوری (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۵. آقای کوروش بروچی (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۲۶. آقای مهدی شهبازی‌فرد (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دستور اول: بررسی نامه دریافتی از سازمان بازرسی کل کشور

در خصوص «دستور العمل اجرایی معاملات بازار بین بانکی ریالی»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: اولین موضوعی که می‌خواهیم به آنپردازیم، بازار بین بانکی ریالی است. در جلسه گذشته به طور مختصر به این موضوع اشاره شد و در این جلسه قصد داریم جزئیات بیشتری را ارائه دهیم. اگر اجازه دهید، ما خلاصه‌ای از مباحثی که در کارگروه قم طی سه جلسه مطرح شده را ارائه خواهیم کرد. همان‌طور که در کتاب‌های اقتصاد کلان و پولی ذکر شده، بازار بین بانکی به عنوان هسته اصلی بازار پول شناخته می‌شود و اهمیت زیادی دارد.

وظیفه اصلی بازار بین بانکی، تسهیل مبادلات بین بانک‌هاست. این مبادلات در شرایطی انجام می‌شود که یک بانک دارای ذخایر مازاد و بانک دیگر با کسری نقدینگی مواجه است. این معاملات معمولاً به صورت شبانه و به اصطلاح "اورنایت" انجام می‌شود. به این معنا که بانک‌ها در پایان روز تسویه حساب می‌کنند. به عنوان مثال، اگر بانک ملت اعلام کند که کسری دارد و بانک اقتصاد نوین دارای مازاد باشد، این دو بانک با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

این موضوع را حدود یک سال و نیم پیش در کارگروه قم بررسی کردیم و اشکالاتی به وکالت شبانه کارگروه مطرح شد که به شما ارائه می‌دهم. ما این موارد را به اداره عملیات بازار باز ارسال کردیم و در قالب سه نامه به اطلاع رساندیم. پیشنهاد کارگروه این بود که به جای عقد وکالت، که در آن تملیکی صورت نمی‌گیرد و صرفاً تصرف است، به سمت عقد بیع برویم که یک عقد تملیکی است و با ماهیت شبانه سازگارتر است. این روند ادامه داشت تا اینکه در تاریخ ۳۰ به بنده ۱۴۰۳، سازمان بازرسی کل کشور نامه‌ای به رئیس کل محترم تنظیم کرد و تأکید کرد که طبق ماده ۱۸ قانون بانک مرکزی، قراردادهای این بانک باید به تصویب شورای فقهی برسد. بنابراین، این عقد وکالت نیز باید به تصویب برسد. آقای محمدی، نماینده سازمان بازرسی، توضیحات بیشتری ارائه خواهند داد. همچنین، عملیات بازار باز نیز نامه‌ای به ما ارسال کرده و گزارشی از فعالیت‌ها ارائه داده است. تأکید اصلی در این گزارش بر اساس مرقومه مرحوم آیت‌الله رضوانی است که بر لزوم سپرده‌گذاری در بازار بین بانکی در چهارچوب عملیات بانکی تأکید کرده‌اند.

این تصویر در صورتی که در چهارچوب بانکداری بدون ربا باشد، مورد تأیید است. در اینجا دو نکته وجود دارد: نکته اول این است که از نظر شکلی، این نامه به عنوان یک مرقومه از سوی یکی از اعضای شورای نگهبان صادر شده و این موضوع از

دید شورای نگهبان اهمیت دارد. نکته دوم نیز به مفهوم و دلالت مرقومه آن مربوط می‌شود. در مرقومه مذکور به طور کلی بیان شده که عملیات بین بانکی در چهارچوب بانکداری بدون ربا، بدون اشکال است و به صورت طبیعی به معنای تایید کلیه قراردادهای بین بانکی از جمله وکالت شبانه نیست.

جمع بندی کارشناسی ما در کارگروه این است که عقد وکالت به هر حال جزو عقود اذنی محسوب می‌شود و باید سود علی الحساب و قطعی برای آن محاسبه و پرداخت گردد. در اینجا ما این موضوع را دارای شبهه می‌دانیم. استفاده از کلمه «شبهه» به این دلیل است که نمی‌توان به طور قطعی نظر داد و از یک دیدگاه دیگر نیز می‌توان این معاملات را توجیه کرد و صحیح دانست.

نگاه و جمع بندی کارگروه قم به این صورت بود که در معاملات دست اول این بازار، که به صورت شبانه انجام می‌شود، شبهه ربای قرضی وجود دارد. به این معنا که خرید و فروش پول همراه با افزایش صورت می‌گیرد و عمده فقهای امامیه ما این نوع معاملات را به عنوان حیل ربا می‌شناسند و آنها را نادرست می‌دانند. نکته دوم این است که این معاملات عمدتاً به صورت تمدیدی انجام می‌شوند؛ به این معنا که برای یک شب معاملات منعقد می‌شوند و گاهی تا یک سال هر روز تمدید می‌گردند. اگر معامله اول دارای شبهه ربای قرضی باشد، در معاملات بعدی نیز احتمال وجود شبهه ربا یا افزایش مدت در مقابل ایجاد می‌شود. که نیاز به بررسی دارد. همچنین از نظر فنی، ما شاهد تبعیضی بین موکلین هستیم؛ به عنوان مثال، اگر یک سپرده گذار به بانک مراجعه کند و سپرده گذاری نماید، به او ۱۸ درصد سود داده می‌شود، اما اگر سپرده گذاری در بازار بین بانکی انجام شود نرخ سود ۲۴ درصد می‌دهید. این تفاوت بین موکلین در حالی است که بانک موظف به تأمین حداکثری منافع موکلین می‌باشد و تبعیض بین موکلین می‌تواند محل بحث باشد.

به طور کلی، نتیجه گیری ما این است که عقد وکالت برای عملیات شبانه مناسب نیست و باید به این سمت حرکت کنیم که بانک‌ها مطالبات خود از مشتریان را در بازار بین بانکی نزد یکدیگر تنزیل کنند، که این تنزیل می‌تواند بر اساس عقد بیع دین و با نرخ سود مشخصی که در این عقد تعیین شده، انجام شود. این عقد هم در قوانین بانکی و هم در فقه اسلامی پذیرفته شده است. در جلسات ۱۳، ۱۴ و ۱۵ کارگروه تخصصی فقهی بانک مرکزی (کارگروه قم) این روش مورد بحث قرار گرفته و دیون با کیفیت می‌توانند در این زمینه مورد استفاده واقع شوند. اما چالش اصلی در استفاده از عقد بیع دین، طراحی یک سامانه مناسب برای نقل و انتقال دیون، بین بانک‌ها است. این خلاصه‌ای از فعالیت‌های دبیرخانه در کارگروه تخصصی

فقهی بانک مرکزی بود. اگر اجازه دهید، آقای محمدی نیز توضیحات خود را ارائه دهند و سپس سایر همکاران اعلام نظر نموده و در نهایت جمع‌بندی خواهیم کرد.

محمدی: بر اساس وظایف قانونی سازمان بازرسی کل کشور، ما تصمیم گرفته‌ایم که نظارت بر اجرای قانون جدید بانک مرکزی همزمان با ابلاغ آن انجام شود. در ماده (۱۸) این قانون آمده است که هر دستورالعملی که قبلاً به تصویب شورا فقهی نرسیده است، باید حتماً مورد بررسی مجدد شورا قرار گیرد. ما این دستورالعمل را بررسی کرده‌ایم و متوجه شده‌ایم که دستورالعمل بازار بین‌بانکی به تایید شورا فقهی نرسیده است. در ادامه، وقتی بازار عملیات بین‌بانکی را بررسی می‌کنیم، باید به مبانی قانونی آن توجه نماییم. این عملیات بر اساس شیوه‌نامه‌ای انجام می‌شود که در قالب قراردادهای سپرده‌گذاری و سپرده‌پذیری بین بانک‌ها منعقد می‌گردد. (وکالت توکیلی) در این بازار، معاملات بین دو بانک ممکن است چندین بار در یک روز انجام شود؛ به عنوان مثال، بانک تجارت می‌تواند در یک روز تا ۵ مرتبه سپرده‌گذاری کند و سپرده‌پذیری بانک ملت نیز به همین شکل است. این قراردادها مستقل از یکدیگر هستند و نرخ‌های ثابت و مشخصی دارند؛ به عنوان مثال، قرارداد با سررسید یک روزه دارای نرخ سود قطعی و ثابتی است.

اگر همکاران به آیین‌نامه اجرایی فصل (۵) قانون عملیات بانکی بدون ربا استناد می‌کنند، باید بگوییم که این آیین‌نامه اساساً ارتباطی با فصل (۵) ندارد، یعنی احکام آن خارج از این فصل است و در واقع باید در فصل‌های (۲) و (۳) مطرح می‌شد. در این آیین‌نامه، دو نوع تفکیک وجود دارد: اگر بانک‌ها با یکدیگر مرادده‌ای داشته باشند، می‌توانند به عنوان سپرده‌پذیری و سپرده‌گذاری، استقراض انجام دهند. این موضوع باید به طور واضح مشخص شود که منابع از کجا تأمین می‌شود؛ آیا از منابع سپرده‌گذاران است یا از منابع خود بانک؟ همچنین، این استقراض باید به صورت علی‌الحساب باشد و در پایان دوره، سود آن به طور قطعی مشخص و به سپرده‌گذار اصلی بازگردانده شود؛ نه اینکه از ابتدا قطعیت پیدا کند. علاوه بر این، در حال حاضر، بانک‌ها با عملیات بین‌بانکی که تنها به سپرده‌پذیری و سپرده‌گذاری محدود شده، دچار ناترازی شده‌اند.

رسولی: در این رابطه، ابتدا باید نظام پرداخت و تسویه را به خوبی بشناسیم، سپس به بررسی بازار بین‌بانکی ریالی بپردازیم. هدف این بازار، تراز کردن ناترازی‌های موجود در نظام پرداخت و تسویه است. بیایید ابتدا ماهیت این بازار را بررسی کنیم. فرض کنید بنده، بانک الف را وکیل کرده‌ام و منابع ریالی‌ام را در این بانک سپرده‌گذاری نموده‌ام. بانک الف این منابع را در پروژه‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌کند و با بنده یک قرارداد علی‌الحساب منعقد می‌سازد که به موجب آن، سودی به

صورت ماهانه به بنده پرداخت می‌گردد و وقتی پروژه‌ها به نتیجه می‌رسند، سود حاصل را به حساب بنده برمی‌گرداند. حال فرض کنید یکی از همکاران، بانک ب را وکیل کرده و سپرده‌هایش را در این بانک قرار داده است. بنده قصد دارم ملکی از این همکار بخرم. این مثال نشان می‌دهد که نظام پرداخت و تسویه کاملاً بر اساس مبادلات واقعی است. وقتی بنده ملکی را خریداری می‌کنم، معادل ریالی آن از حساب بنده در بانک الف به حساب همکار مرتبط در بانک ب منتقل می‌شود.

در این مثال بانک الف به عنوان بانک بنده و بانک ب به عنوان بانک همکار عمل می‌کند. بانک مرکزی نیز به عنوان بانکدار اصلی این بانک‌ها شناخته می‌شود. بنابراین، برای اینکه یک معامله ریالی به طور واقعی تصفیه شود، مبلغی از حساب بنده کسر شده و به حساب همکار در بانک ب منتقل می‌شود. همچنین، باید توجه داشت که بانک الف تا به امروز منابع ریالی بنده را برداشت کرده است. بر این اساس به نظر می‌رسد معاملات حتماً پشتوانه‌ای از معاملات واقعی دارد. یعنی معامله‌ای در بازار بین‌بانکی سودآور است، به این معناست که منابع مالی قبلاً در یک استخر سرمایه‌گذاری شده‌اند. برخی ممکن است بگویند که برای یک شب، چه اتفاقی می‌افتد که بتوان سود شناسایی کرد؟ پاسخ آن است که در دو عبارت دیگر، همانطور که حاج آقای رضایی اشاره کردند ممکن است یک تاجر (سرمایه‌حجره) موجودی انبار و ماشین آلات) داشته باشد، اما اگر چک این تاجر در بازار برگشت بخورد با چالش‌های متعددی مواجه خواهد شد. این موضوع در نظام پرداخت و تسویه به طور مستقیم و برخط انجام می‌شود و به همین دلیل اهمیت بیشتری دارد.

به طور خلاصه، اگر سودی در بازار بین بانکی شناسایی می‌شود، این سود از همان استخر مشاء ناشی می‌گردد که به بخش واقعی اقتصاد مرتبط است. اگر اجازه بدهید، در ادامه به سوالات آقای دکتر محمدی پاسخ دهم.

نظام پرداخت و تسویه از ساعت ۵ صبح آغاز می‌شود و تا ۳ بعد از ظهر ادامه دارد. بنابراین، طبیعی است که بانک‌ها در طول روز، جهت پیش‌بینی نقدینگی خود با چالش‌هایی مواجه شوند به عبارت دیگر، کاملاً طبیعی است که یک بانک در پیش‌بینی ذخایر خود دچار اشتباه شود؛ به‌ویژه اگر یک سپرده‌گذار بزرگ بخشی از وجوه خود را برداشت کند.

میرعمادی: در ارتباط با موضوعاتی که مطرح شد، نکاتی را یادداشت کرده‌ام و اگر اجازه دهید، آنها را با شما در میان بگذارم. ابتدا، در مورد سازوکار و مکانیزمی که برخی همکاران به آن اشاره کردند، باید بگویم که در بازار بین‌بانکی و سپرده‌های سپرده‌گذاری شیوه کار به این صورت است که فرد سپرده کوتاه‌مدت عادی در بانک افتتاح می‌کند و به طور روزانه مبالغی را واریز و برداشت نماید. یعنی بر اساس وجوهی که در بانک دارد و مدت زمانی که سپرده‌اش در بانک باقی می‌ماند، از سود

بانک در مصارفی که انجام شده، سهم می‌برد. بنابراین، اگر ایرادی در این زمینه وجود داشته باشد، مختص سپرده گذاری بین‌بانکی نبوده باید به مقوله سپرده‌های سرمایه‌گذاری موضوع قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز ایراد وارد نمود. راهکار بیع دین، می‌تواند روش مناسبی باشد، اما آیا واقعاً بانک‌ها به اندازه کافی اوراق دارند که بتوانند از عقد بیع دین استفاده کنند؟ این خود یک مسئله جدی است که باید بررسی شود که از نظر اجرایی، آیا این امکان‌پذیر است یا خیر؟ همچنین، اجرای فرآیند عقد بیع دین نیز به دلیل پیچیدگی‌های حسابداری و نقل و انتقالات در بانک‌ها، کار ساده‌ای نیست.

این موضوع در دستورالعمل محاسبه و تقسیم سود مشاع نیز توضیح داده شده است. طبق ماده (۶) این دستورالعمل، سپرده‌هایی که در بانک‌های دیگر قرار سپرده‌گذاری می‌شوند، به مصارف مشاع آن بانک تعلق می‌گیرند. به این معنا که وقتی بنده سپرده‌گذاری می‌کنم، این سپرده به مصارف مشاع تبدیل می‌شود. بانکی که سپرده را می‌پذیرد، این سپرده‌ها را در محاسبات، مشابه سایر سپرده‌های سرمایه‌گذاری، لحاظ می‌کند لذا اگر سود قطعی، بیشتر از سود علی‌الحساب باشد، این افزایش در محاسبات لحاظ و پرداخت ما به‌التفاوت می‌شود. همچنین، در مورد سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، سود علی‌الحساب متفاوتی در نظر گرفته می‌شود و سپس سود قطعی محاسبه می‌گردد. طبق سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در این دستورالعمل، سود بین سپرده‌گذاران توزیع می‌شود.

علاوه بر این، می‌خواهم نکته‌ای را که خانم رسولی اشاره کردند، به طور ساده‌تر توضیح دهم. فرض کنید دو بانک داریم: بانک الف و بانک ب. بانک الف دارای ۸۰ واحد سپرده و به همین میزان، ۸۰ واحد تسهیلات داده است. در حالی که بانک ب ۷۰ واحد سپرده و ۷۰ واحد تسهیلات دارد. برای سادگی، سپرده قانونی را در نظر نمی‌گیریم.

حال فرض کنید یک سپرده‌گذار ۲۰ واحد از سپرده‌اش را از بانک ب برداشت کرده و به بانک الف منتقل می‌کند. در این صورت، بانک ب با کسری ۲۰ واحدی در نقدینگی مواجه می‌شود، در حالی که بانک الف به همین میزان مازاد نقدینگی پیدا می‌کند.

مصباحی‌مقدم: آیا شما هم با نکته‌ای که آقای دکتر محمدی مطرح کردند، مواجه شده‌اید؟ ایشان اشاره کردند که یک بانک، به طور مکرر وجوه را از حساب‌های بین‌بانکی استقراض می‌کند و سپس دوباره آن را برمی‌گرداند. آیا پاسخی در این زمینه دارید؟

میرعمادی: بنده اطلاعات دقیقی در این زمینه ندارم، اما اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، تعداد آن بسیار کم و محدود است. به نظر اینجانب، این موضوع اصل قضیه را زیر سوال نمی‌برد. اگر اینطور است، باید آن را بررسی کنیم و بر سر اصل موضوع به توافق برسیم. حالا اگر این مسئله به صورت مکرر و در زمانهای مختلف اتفاق می‌افتد و این موضوع مشکل‌ساز است، باید برای آن چاره‌ای بیندیشیم. اما به طور کلی، اصل قضیه به نظر بنده اشکالی ندارد.

ابوالحسنی: بارها در شورای فقهی مطرح کرده‌ام که ما با چندین مسئله مواجه هستیم؛ که باید به طور جدی به آنها بپردازیم. فرقی نمی‌کند که یک نهاد نظارتی در این رابطه نظر بدهد یا خیر. یعنی این وظیفه ما می‌باشد که بررسی کنیم ابعاد شرعی این مسائل چیست؟ به طور مشخص، لازم است ابعاد شرعی ابزارهای بازار بین بانکی مورد بررسی فقهی قرار گیرد؛ زیرا برخی بانکها به دلیل اینکه نمی‌خواهند به منابع پرقدرت بانک مرکزی مراجعه کنند و جریمه بالایی بپردازند، به بازار بین بانکی می‌روند تا منابع لازم را با نرخ سود پایین‌تری تأمین نمایند و به لحاظ منطق بانکداری مرکزی، بانکها در شرایط کسری نباید منتظر منابع بانک مرکزی باشند. چرا که هر منبع پر قدرتی که از بانک مرکزی خارج می‌شود (به هر دلیلی) می‌تواند بین ۷ تا ۸ واحد نقدینگی ایجاد کند.

در مورد مسائل شرعی بازار بین بانکی، پیشنهاد می‌کنم این موضوع را در دستور کار قرار دهیم و یک آسیب‌شناسی از سوی دبیرخانه شورای فقهی انجام شود. بارها به آقای دکتر میثمی گفته‌ام که این موضوع اهمیت زیادی دارد و باید در دستور کار شورای فقهی قرار گیرد. اگر جایی نرخ ثابت و مشخصی در عقود بین بانکی وجود دارد، نمی‌توان ضرورتاً آن را دارای شبهه شرعی دانست چرا که در بانکداری اسلامی هم عقود با نرخ ثابت داریم و هم عقود با نرخ غیر ثابت به عبارت دیگر این که عقد مبنای قرارداد چیست و اینکه آیا در آن نرخ سود ثابت تعیین شده یا خیر، مهم است. به طور مشخص اگر عقد پایه وکالت است، باید نرخ سود، علی‌الحساب باشد چرا که هر عقد شرعی شرایط خاص خود را دارد و اگر کسی از این عقد استفاده می‌کند، باید الزامات آن را نیز رعایت نماید.

باید توجه داشت که ما در نظام بانکی سه نوع استخر داریم و غیر از این سه، بخش بانکی دیگری وجود ندارد. یکی از این استخرها، استخر ذخیره‌ای است که مردم در آن پول واریز می‌کنند. یعنی هر بانکی یک استخر مشاع اختصاصی دارد. همچنین، استخر دیگری در بازار بین بانکی وجود دارد که اگر یک بانک مازاد داشته باشد، می‌تواند پول خود را به آن واریز کند و اگر کمبود داشته باشد، از منابع این استخر برداشت می‌نماید. سومین استخر مشاع، منابع بانک مرکزی است که این

نیز یک استخر خاص به حساب می‌آید و این سه استخر مشاع به هم مرتبط هستند. البته، منابع بانک مرکزی نباید به راحتی در دسترس باشد، زیرا این کار خطرناک است. اما وظیفه بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر این است که در صورت کسری نظام بانکی، به آن کمک کند تا از ایجاد بحران بانکی جلوگیری گردد. طبق قانون، هر کسی که پول خود را در بانک گذاشته، حق دارد هر زمان که بخواهد آن را برداشت کند و نظام بانکی باید بتواند این نیاز را تأمین کند.

«حداقل الزامات ریسک نقدینگی» که توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود، به میزان دارایی‌های نقدشونده‌ای، اشاره دارد که باید به گونه‌ای باشد که در هر لحظه بتواند به سرعت به وجه نقد تبدیل شود. در مورد سوال شما درباره اینکه آیا می‌توان منابع استخرهای سه گانه را از هم جدا کرد یا خیر؟ همکاران اداره عملیات بازار باز باید توضیحات لازم را ارائه دهند.

میرعمادی: تفکیک استخرها، موضوع مهمی نیست زیرا مهم آن است که در نظام بانکی محاسبات مربوط به سود مشاع دقیقاً انجام می‌شود و به لحاظ حسابداری محاسبات لازم انجام می‌گردد یعنی ما تمام هزینه‌های مشاع را جمع‌آوری می‌کنیم و به عنوان مثال، به عدد ۱۰۰ واحد می‌رسیم. از این ۱۰۰ واحد، اولویت استفاده با منابع سپرده‌گذاران و صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری است.

اسلامیان: به هر حال این سودی که بانک سپرده‌پذیر به سپرده‌گذار برای یک ساعت یا یک شب پرداخت می‌کند، به چه دلیل شرعی مجاز است؟ موضوع هنوز برای بنده مشخص نشده است.

رضایی: اگر در عملکرد مشکلی وجود دارد، باید به شیوه‌ای دیگر مورد بررسی قرار گیرد. تیم نظارت بانک مرکزی و مجموعه‌های مرتبط باید به این موضوع بپردازند. اما اگر بحث به خود آیین‌نامه یا مسائلی که چندین بار در مورد بازار بین‌بانکی مطرح شده مربوط می‌شود، باید به سرعت آن موضوعات توجه کنیم. مانند مسائلی که آقای دکتر میثمی از مباحث مطرح شده در کارگروه قم ارائه کردند.

محمدی: اولین ایرادی که داریم این است که این دستورالعمل بین‌بانکی اساساً به تأیید شورای فقهی نرسیده است؛ در حالی که طبق قانون، باید کلیه قراردادهای مورد استفاده در بازار بین‌بانکی به تأیید شورای فقهی می‌رسید. همچنین، در خود مفاد دستورالعمل، نکات مهمی وجود دارد که به لحاظ شرعی نیازمند تأمل است بعنوان مثال به عنوان مثال،

طبق بند (۲) ماده (۷) معامله‌گر موظف است نرخ سود را در صورت تماس هر یک از اعضا اعلام کند. اگر اعلام نرخ سود فقط جنبه اطلاع‌رسانی داشته باشد، باید به وضوح ذکر شود یعنی در صورتی که متقاضی فقط قصد اطلاع از نرخ را داشته باشد، باید این موضوع با ذکر عبارت «صرفاً جهت اطلاع» اعلام گردد. در غیر این صورت، درخواست نرخ به معنای قصد انجام معامله خواهد بود و این نرخ به صورت قطعی برای مبلغ مورد نظر معتبر است. همچنین، اعلام‌کننده نرخ نیز باید عبارت «صرفاً جهت اطلاع» را برای عدم تمایل به انجام معامله ذکر کند. بدیهی است که در صورت عدم ذکر این عبارت، نرخ اعلام شده برای انجام معامله معتبر و قطعی خواهد بود. گویا نرخ سود از ابتدا به صورت قطعی تعیین شده است که این واجد شبهه به نظر می‌رسد.

مصباحی‌مقدم: بسته به اینکه بانکی که این منابع را دریافت کرده، چگونه می‌خواهد تأمین مالی کند، نرخ سود می‌تواند ثابت یا متغیر باشد. به عنوان مثال، بانک مذکور ممکن است بخواهد از عقود مبادله‌ای استفاده نماید یا به شکل مشارکتی عمل کند. در عقود مبادله‌ای، نرخ مشخصی وجود دارد، در حالی که در عقود مشارکتی این موضوع متفاوت است. بنابراین، انتخاب نوع قرارداد تأثیر زیادی در بحث سود خواهد داشت.

میرعمادی: آقای محمدی مطمئناً شما این دستورالعمل و همچنین دستورالعمل سود مشاع را مشاهده و فرم‌ها و صورت‌های مالی بانک‌ها را نیز بررسی کرده‌اید. در دستورالعمل سود مشاع در ماده (۶) به وضوح مصارف ذکر شده‌اند. در اینجا، مصارف مشاع به صورت علی‌الحساب تعریف شده است. فرم‌هایی که بانک مرکزی تدوین و به شبکه بانکی ابلاغ کرده، در سامانه بارگذاری می‌شود و این موضوع در صورت‌های مالی نیز منعکس شده است. حسابرس بر اساس همین مستندات اظهار نظر می‌کند و بازرسان بانک مرکزی نیز بر همین اساس نظارت می‌کنند. آنچه در حال اجرا می‌باشد، سازوکار سود علی‌الحساب است و نه قطعی یعنی سود در عملیات بین‌بانکی بر اساس عقد وکالت صرفاً به صورت علی‌الحساب تعیین می‌شود.

مصباحی‌مقدم: به نظر می‌رسد نیاز است دستورالعمل بازار بین‌بانکی به صورت مستقل در شورای فقهی بررسی شود.

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع دستور دوم: بررسی نامه دریافتی از مرکز مبادله ارز و طلای ایران

در خصوص «قرارداد مابه‌التفاوت»

میثمی: دستور دوم که در اختیار داریم، ابزاری است که همکاران ما در مرکز مبادله به آن نیاز دارند و به نوعی بین بازار سرمایه و بازار پول مشترک است. در ادامه به توضیح این ابزار پرداخته می‌شود.

سعیدی: این ابزار در واقع یک راهکار معاملاتی برای ارز است که عمدتاً به منظور تأمین مالی صادرکننده طراحی شده و به واردکننده این امکان را می‌دهد که بتواند ارز مورد نیاز خود را در یک زمان مشخص در آینده بدست آورد. به این ترتیب، واردکننده می‌تواند اطمینان حاصل کند که در تاریخ معین، امکان خرید ارز را خواهد داشت. این قرارداد از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول یک قرارداد تعهدی و بخش دوم قرارداد اصلی. در ابتدا، تاریخ روز حراج مشخص می‌شود و در این روز، نرخ ارز تعیین می‌گردد. صادرکننده و واردکننده بر اساس این نرخ متعهد می‌شوند که در زمان مشخصی در آینده، مقدار معینی از ارز را با منبع خاصی خریداری کنند. خریدار درصدی از این قرارداد را بر اساس نرخ روز حراج پرداخت می‌کند. هر چند نمی‌توان به طور دقیق نامی برای آن گذاشت، اما این مبلغ به نوعی به عنوان وجه‌الضمان عمل می‌کند و هدف آن ایجاد اطمینان از امکان خرید ارز در زمان مشخص است. در نهایت، پس از تعیین این مبلغ، بیع در آن روز انجام می‌شود و قیمت بر اساس نرخ همان روز مشخص می‌گردد.

به عنوان مثال، فرض کنید مبلغ ۱۰۰ میلیون یورو در نظر گرفته شده است. در تاریخ سررسید، نرخ ارز مشخص می‌شود و قیمت بر اساس نرخ‌های مرکز مبادله تعیین می‌گردد. بنابراین، یک قیمت مرجع وجود دارد که از آن، درصدی که در ابتدای قرارداد به عنوان وجه التزام پرداخت شده کسر خواهد شد. حال اگر ما قرارداد را برای شش ماه در نظر بگیریم، وجه التزامی که خریدار پرداخت کرده، به مدت شش ماه در اختیار صادرکننده بوده و این صادرکننده ممکن است تخفیفی به واردکننده ارائه دهد. به این ترتیب، واردکننده به مدت شش ماه، وجه التزام خود را نزد صادرکننده نگه داشته و در روز سررسید نیز با نرخ روز معامله خواهد کرد. بنابراین، مزیت واردکننده این است که صادرکننده برای این مدت، تخفیفی برای او در نظر می‌گیرد. در مورد این تخفیف، فرض کنید که ۱۰ خریدار با یکدیگر در حال رقابت هستند؛ هر خریدار که تخفیف کمتری را بپذیرد، برنده این حراج خواهد بود و صادرکننده ارز را در تاریخ سررسید به او پرداخت می‌کند.

این قرارداد یک توافق اولیه است که در آن، قرارداد دوم به عنوان قرارداد عهده و قرارداد سوم به عنوان قرارداد بیع تعریف می‌شود. در این قرارداد اولیه، خریدار و فروشنده متعهد می‌شوند که در تاریخ مشخصی، مبلغ معینی از ارز را به قیمت روز بیع، یعنی قیمت روز معامله، پرداخت کنند. هدف این است که اطمینان حاصل شود که در تاریخ سررسید، فروشنده ارز را به خریدار تحویل خواهد داد.

ابوالحسنی: لازم به ذکر است که معامله در روز حراج صورت می‌گیرد یعنی روزی که قیمت مشخص می‌شود. سپس، صادرکننده ارز را به کسی می‌دهد که تخفیف کمتری درخواست کرده است.

سعیدی: ما یک تاریخ برای حراج داریم که به عنوان تاریخ معامله و روز عقد قرارداد شناخته می‌شود. در این روز، تمام خریداران میزان تخفیف مورد انتظار خود را اعلام می‌کنند. هر کسی که تخفیف کمتری پیشنهاد دهد، برنده حراج خواهد بود. بنابراین، به محض پایان روز حراج، خریدار مشخص می‌شود.

مصباحی مقدم: وقتی می‌گوییم مبلغ کسر می‌شود، منظورم این است که وجه تعهدی که در زمان عقد قرارداد پرداخت شده، جزو مبلغ قرارداد محسوب می‌شود. در معاملات آتی، اگر کسی که این وجه تعهد را پرداخت کرده، در زمان عقد قرارداد پشیمان شود و خرید نکند، این وجه تعهد به طور کلی بی‌اعتبار می‌شود. در اینجا وضعیت چگونه است؟

سعیدی: می‌خواهم توضیحی درباره خاستگاه این قرارداد و دلایل شکل‌گیری آن ارائه دهم. هدف اولیه این بود که این قرارداد به صورت سلف باشد. در قرارداد سلف، واردکننده باید تمام مبلغ را به ریال در زمان مشخصی در آینده پرداخت کند و ارز باید در آن زمان به دست او برسد. اما صادرکنندگان ارز تمایل چندانی به این نوع معامله ندارند، زیرا احتمال افزایش قیمت در تاریخ سررسید بیشتر از احتمال کاهش آن است. همچنین، نگرانی بنده این است که ممکن است تحت فشار قرار بگیرم که چرا ارز را با قیمت پایین‌تری فروخته‌ایم. بنابراین، حاضر نیستیم با قیمتی که از قبل تعیین شده، کار کنیم. از سوی دیگر، خریدار نیز می‌گوید اگر قرار است به قیمت بازار خرید کنم، چرا باید ۱۰۰ درصد مبلغ را به ریال پرداخت نمایم و منفعت بنده چه خواهد بود؟

این قرارداد به گونه‌ای طراحی شده که منافع هر دو طرف را در نظر بگیرد. از یک سو، ۳۰ درصد مبلغ ریالی که پرداخت می‌شود، به صادرکننده کمک می‌کند تا تأمین مالی لازم برای پروژه‌های خود را انجام دهد. از سوی دیگر، خریدار اطمینان

خواهد داشت که در تاریخ مشخصی در آینده، ارز با منبع مشخصی در دسترس او قرار خواهد گرفت. این به نفع هر دو طرف است.

خوړسندیان: در واقع، بنده تفاوت این نوع معامله را با معامله کالی به کالی در فقه متوجه نشدم. زیرا در نهایت، قرارداد اکنون بسته می‌شود و قبض و اقباض در آینده انجام خواهد شد. اگر شما می‌گویید که این ۳۰ درصدی که در حال حاضر پرداخت می‌شود، وجه تعهد است، در واقع به معنای پرداخت می‌باشد.

مصباحی‌مقدم: این موضوع بیع نیست، بلکه یک تعهد است که تضمین می‌کند که معامله در آینده انجام خواهد شد. در قرارداد بیع، اگر قبض و اقباض در آینده صورت گیرد، این مسئله به نوعی شبهناک است؛ زیرا هم مبلغ بعداً پرداخت و هم کالا بعداً تحویل داده می‌شود. اما در اینجا، دیگر، معامله در آینده تحقق می‌یابد و در حال حاضر بیع منعقد نمی‌شود. البته در اینجا بحثی داریم که آیا خود تعهد می‌تواند الزام‌آور باشد یا خیر؟ و آیا تعهد ابتدایی لازم‌الوفا است یا خیر؟

ابوالحسنی: فرض کنید امروز بنده و آقای دکتر رضایی این تعهد و قرارداد را امضا کنیم، اما معامله را ۶ ماه دیگر انجام دهیم. این معامله کاملاً مشخص و بدون ابهام است. حالا این پولی که بنده در حال حاضر به ایشان می‌دهم، چه می‌شود؟ اگر ایشان در این مدت مالک شود، می‌تواند از آن استفاده کند و منافع برای خودش خواهد بود. اما اگر این پول به صورت امانی باشد، چه وضعیتی پیش می‌آید؟

سعیدی: در این قراردادهای الزام به تحویل کالا وجود دارد و از ابتدا هیچ الزامی برای تسویه نقدی مطرح نیست. بنابراین، اگر طرفین به انجام تعهدات خود پایبند نباشند، انگیزه‌ای برای این کار ندارند؛ زیرا یکی از طرفین، واردکننده و دیگری صادرکننده است. به هیچ وجه کسی که در زمینه ارز ورودی فعالیت ندارد، اجازه انعقاد این نوع قرارداد را نخواهد داشت. لذا تنها افرادی می‌توانند به عنوان فروشنده وارد شوند که صادرکننده بوده و همچنین کسانی که ثبت سفارش کرده‌اند، می‌توانند در این بازار ورود کنند. بنابراین، تحویل فیزیکی قطعی است. حال که تحویل فیزیکی قطعی است و مبلغی که در ابتدا پرداخت شده لذا صادرکننده برای ایجاد انگیزه در خریدار، تخفیفی به او خواهد داد. اما اگر به هر دلیلی، معامله به اراده طرفین انجام نشود، مبلغ به خریدار بازگردانده می‌شود.

مصباحی مقدم: همانطور که می دانید، عقد امانت به ما اجازه می دهد که در صورت داشتن مجوز، در مال تصرف کنیم. لذا باید دقت کنید که آیا این وجه اولیه امانت است یا اینکه مالکیت منتقل گردیده است. نکته ای که مطرح کردید این است که در واقع، سه نفر متقاضی انجام این معامله هستند. بنابراین، نظر بنده این است که هر سه نفر باید ابتدا ودیعه را پرداخت کنند تا برنده مشخص شود.

ابوالحسنی: وضعیت این پول که به صورت شبه مالکیت در نظر گرفته می شود، چگونه است؟ اگر امانت با اجازه تصرف باشد، به این معناست که در صورت فوت این شخص، باید وصیت کند که این مقدار امانت از او باقی مانده است. حال اگر این پول به عنوان قرض، مثلاً با نرخ صفر درصد قرض داده شده باشد، در این مدت که بین حراج و انعقاد قرارداد (که ممکن است ۶ ماه یا یک سال طول بکشد) فاصله وجود دارد، این پول منافع خاصی خواهد داشت. اگر مالک منافع، خود واردکننده باشد، این منافع به او می رسد و اگر متعلق به صادرکننده باشد، منافع به او تعلق می گیرد. بنابراین، باید وضعیت این موضوع مشخص شود.

مصباحی مقدم: این نوع قراردادها به **فوروارد (Forward)** معروف هستند و با قراردادهای آتی استاندارد (**Futures**) متفاوت اند. اگر قرارداد فعلی شبیه به آتی غیر استاندارد بیا فوروارد باشد، به نظر بنده، این مبلغ اولیه می تواند به عنوان تعهد در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، شخصی که می خواهد کالایی را بفروشد، متعهد می شود که سه ماه دیگر را به بنده تحویل دهد. این تعهد خود ارزش مالی دارد و به بنده اطمینان می دهد که می توانم در آینده این کالا را به قیمت مشخصی خریداری کنم. این نوع تعهد شبیه به بیمه است؛ زیرا در بیمه، شرکت بیمه متعهد می شود که در صورت بروز خسارت، آن را جبران کند و این تعهد نیز ارزش مالی دارد.

رضایی: بنده مبلغی را به شما می دهم تا در ازای آن بتوانم در ۶ ماه آینده مثلاً ۱۰۰ میلیون دلار، ۱۰۰ میلیون یورو از شما دریافت کنم. اگر این خرید را انجام دهم، با توجه به پولی که به شما داده ام، مابقی مبلغ را از بنده دریافت خواهید کرد. به عبارت دیگر، این پولی که الان به شما می دهم، در حال حاضر ثمن نیست، اما در آینده بخشی از ثمن خواهد بود و بنده را در صف نگه می دارد. یعنی بنده بعداً می توانم خرید کنم و شما هم قول می دهید که اگر به بنده بفروشید، این مبلغ اولیه بخشی از همان ثمن محسوب شود و حتی تخفیفی هم به بنده بدهید. حالا باید ببینیم که این نوع معامله ممکن است با معاملاتی که تا به حال انجام داده ایم متفاوت باشد، اما ما در این توافقی در واقع مصالحه انجام می دهیم.

سعیدی: در سال‌های گذشته، موضوع کشف پرمیوم (Premium) در بورس کالا مطرح شد و به نوعی به شکل مصالحه درآمد.

ابوالحسنی: به نظر می‌رسد باید این وجه اولیه به طور کامل تملیک شود.

مصباحی‌مقدم: نکته کلیدی همین است که هنوز در مقابل سه نفر قرار داریم. یکی از آنها می‌گوید که مثلاً تخفیف کمتری می‌خواهد و در این صورت برنده می‌شود. این افراد هیچ تعهدی ندارند و این مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ این دوره، دوره‌ای از مقابله است و در این گفتگو مشخص می‌شود که کدام یک از این سه نفر حاضر است تخفیف بیشتری را بپذیرد. در این صورت، معامله با او انجام می‌شود و در لحظه‌ای که معامله نهایی می‌شود، او پیش پرداخت را پرداخت می‌کند. بنابراین، این پیش پرداخت دقیقاً به عنوان بیعانه در نظر گرفته می‌شود که بخشی از قیمت نهایی معامله محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، در زمان قرارداد، این مبلغ به شما به عنوان بیعانه پرداخت می‌شود تا شما به سراغ فرد دیگری نروید و به کسی دیگر پاسخ مثبت ندهید. سه ماه بعد، بنده برای تنظیم سند معامله می‌آیم. توجه داشته باشید که در زمان تنظیم سند، بخشی از مبلغ به عنوان بیعانه پرداخت می‌شود و این بیعانه بخشی از قیمت نهایی است.

ابراهیمی: قیمت نهایی معامله در روزی که توافق اولیه انجام می‌شود، مشخص نیست. بنابراین، ما قطعاً یک عقد بیع نداریم و بیعانه‌ای هم وجود ندارد. این نکته را از نظر حقوقی بیان می‌کنم، زیرا بیعانه مشخص کننده قرارداد است. در تعهد به بیع، آثار خاصی وجود دارد، از جمله اینکه بخشی از ثمن ممکن است در آنجا به تملیک درآید. قوانین و مقررات نیز این موضوع را مجاز می‌دانند. دوستان به (وجه‌الضمان) اشاره کرده‌اند، اما بنده با این اصطلاح موافق نیستم، زیرا ضمانتی وجود ندارد این خود یک نکته در این عقد است که طرفین نسبت به شرایطی توافق می‌کنند و یکی از این توافقات این است که ما قرار است در آینده با هم معامله کنیم به عبارت دیگر این معامله چند رکن دارد و یکی از ارکان آن قیمت است که در حال حاضر مبهم می‌باشد. به طور طبیعی، قیمت از حداقل پایین‌تر نیست و ممکن است به حداکثر برسد.

اسلامیان: اقدام داوطلبانه طرفین در این زمینه به این معناست که پیش پرداخت مقداری از ثمن به حساب می‌آید، یعنی این مال متعلق به طرف دیگر معامله است.

واعظی: سوال مطرح در اینجا آن است که آیا (وعد ابتدائی) را هم می‌شود خرید و فروش کرد؟

ابوالحسنی: طرف مقابل می تواند متعهد شود که در آینده، زمانی که با هم معامله می کند، این مقدار را به عنوان تخفیف ارائه دهد. یعنی می گویم: «در آینده، این کالا را به قیمت روز به تو می فروشم و این مقدار هم تخفیف می دهم.» آیا این روش به لحاظ فقهی قابل پذیرش است؟

مصباحی مقدم: از منظر فتوای مقام معظم رهبری، خود این شرط ابتدایی یک معامله است که لزوم وفا را به همراه دارد.

سعیدی: وجهی که طرفین پرداخت می کنند، به صورت امانی بوده و با همان اباحه تصرف، اگر به تحویل فیزیکی منجر شود، بخشی از ثمن محسوب خواهد شد.

واعظی: اگر طرف قرارداد به تعهد عمل نکند، آیا این مبلغی که به تعبیر شما به عنوان صلح پرداخت شده، خسارتی به همراه خواهد داشت یا خیر؟

میثمی: به نظر می رسد این موضوع باید مجدداً مورد بررسی کارشناسی قرار گرفته و در جلسه آتی جهت تصمیم گیری به شورای فقهی ارائه شود.

ختم جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.